



عهد و گفتگو

Jonathan Sacks
THE RABBI SACKS LEGACY

مطالعات SPIRITUALITY
از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد جانانان ساکس

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نكوداشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخه تفسیر توره ربای خیم شیمیل رویرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشته ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن توره، بلکه رسیدن به حقیقت زهری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر ستودنی اش آن در صحت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج بیمانندی که با نمونه زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده اند." - ربای ساکس

تفسیر هفتگی تورات

Shoftim: The Greatness of Humility

شوفطیم: عظمت خاکساری

در مجلس شامی برای گرامیداشت یک رهبر اجتماع، سخنران به بسیاری از خصوصیات او اشاره کرد: سرسپردگی او به خدمت، سخت کوشی و آینده نگری. وقتی سخنران نشست، آن رهبر به سوی او خم شد و گفت: "یادتان رفت یک چیز را بگویید!" سخنران پرسید چه چیز را؟ آن رهبر گفت: "خاکساری و فروتنی مرا!"

همیشه همین بساط هست! رهبران بزرگ، ویزگی های بسیار دارند، اما خاکساری جزو آنها نیست. آنها به استثنای نوادری اندک شمار، جاه طلب هستند و بسیار خودبین. آنها انتظار دارند که دیگران اطاعت کنند، به آنها احترام و کرنش کنند و حتی از آنها بترسند. آنها

بدون تلاش از برتری خود استفاده می کنند. النور روزولت این پدیده را "به سر گذاشتن تاجی ناپیدا" می نامید، اما تفاوتی هست میان این و رفتار و خاکساری.

در پادشاهی این هفته ما این نکته به گونه ای نامنتظره و نیرومند مطرح می شود. تورات درباره شاه صحبت می کند و همسو با این گفته لرد اکتون که قدرت فساد می آورد و قدرت مطلق، فساد مطلق¹ سه و سوسه که یک پادشاه دوران باستان می توانست دچار شود، بیان می کند. تورات می گوید که پادشاه نباید اسب ها و همسران و ثروت بسیار ذخیره کند. چند قرن بعد سلیمان پادشاه سرانجام به این دام ها افتاد:

وقتی که شاه بر تخت شاهی خود نشست، باید برای خود یک تومار تورات را رونویسی کند... این تومار باید با او باشد و او باید همه روزهای زندگی خود آنرا بخواند تا یادبگیرد که هیبت خداوند، خدای خود را به دل داشته باشد و تمام کلمات قانون و این احکام را به دقت نگه دارد و خود را برتر از برادران خود نداند و از قانون به چپ یا راست منحرف نشود. آنگاه، او و فرزندانش زمانی طولانی در میان اسرائیل خواهند زیست. (تستت ۲۰-۱۸:۱۷).

¹ Transcript of Letter to Bishop Mandell Creighton, April 5, 1887, published in *Historical Essays and Studies*, edited by J. N. Figgis and R. V. Laurence (London: Macmillan, 1907).

اگر یک پادشاه که همه باید به او احترام بگذارند، موظف است که خاکسار باشد - یعنی احساس برتری نسبت به برادران خود نکند - چه رسد به همه ما. در مورد موسی، بزرگترین رهبری که یهودیان تا کنون به خود دیده اند، آمده است که "بسیار خاکسار بود، بیش از هر کسی بر پهنه زمین" (اعداد ۳:۱۲). آیا باید گفت که عظمت او به دلیل خاکساری اش بود، یا چون بزرگ بود، خاکسار بود؟ ربی یهوناتان پاسخ می دهد که هر دو، زیرا خدا گفته "هر گاه عظمت او را ببینی، خاکساری او را نیز خواهی دید."²

این یکی از اصیلترین انقلاب هایی بود که یهودیت در تاریخ معنویت و spirituality پدید آورد. این که یک پادشاه دوران باستان اگر خاکسار باشد، مسخره به نظر می رسد. ما همچنان امروز می توانیم در آثار باستانی میانرودان (بین النهرین) و مصر بینیم که حکمرانان، مجموعه ای بیشمار از برنامه های تجملی برای خودشان برپا کرده بودند. رامسس دوم چهار مجسمه از خودش و دو مجسمه از ملکه نفرتیتی در برابر معبد ابوسمبل ساخته بود. آنها با ۳۳ فوت ارتفاع، دوبرابر بلندتر از مجسمه آبراهام لینکلن در واشینگتن هستند.

ارسطو نمی توانست این ایده را که خاکساری، یک فضیلت است، بفهمد. از دید او فرد دارای روح بزرگ، یک اشراف آگاه به برتری خود بر توده های انسانی بود. خاکساری و

² Pesikta Zutrata, Eikev.

اطاعت، سرسپردگی و فروتنی برای طبقات فروست بود که نه برای فرمانروایی، بلکه برای فرمانبرداری به دنیا آمده بودند. این ایده که یک پادشاه باید خاکسار باشد، ایده ای نوین و انقلابی بود که یهودیت آنرا ارایه داد و مسیحیت بعداً آنرا وام گرفت.

این نمونه ای روشن است که چگونه معنویت در شیوه عملکرد، احساس و تفکر ما تاثیر می گذارد. این باور که خدایی هست که ما در حضورش می ایستیم یعنی ما در مرکز عالم قرار نداریم. خدا در مرکز عالم است. ابراهیم، پدر ایمان، گفت: "من خاک و خاکسترم". موسی، بزرگترین انبیاء گفت: "من که باشم؟" این گفته ها آنها را چاکرمنش و چاپلوس نمی ساخت. درست در همان لحظه که ابراهیم خود را خاک و خاکستر نامید، عدالت خدا را در مجازات اعلام شده برای سدوم و گمورا به چالش گرفت. این موسی، خاکسارترین فرد عالم بود که از خدا خواست قوم را ببخشد، و گرنه "نام مرا از کتابی که نوشته ای پاک کن." اینها دلاورانه ترین روح های انسانی را داشته اند.

یک تفاوت اساسی هست میان دو واژه در زبان عبری: *anivut* به معنای خاکساری و *shiflut* به معنای کوچک کردن خود. اینها آنقدر با هم فرق دارند که هارامبام خاکساری را ذهنیت بین کوچک کردن خود و غرور می داند. خاکساری یعنی شما آنقدر امنیت روانی دارید که نیاز به تایید دیگران ندارید. یعنی شما نیازی حس نمی کنید که خود را به

اثبات برسانید و نشان دهید که زرنکتر، باهوشتر، با استعدادتر، و موفقتر از دیگران هستید. امنیت روانی دارید، زیرا در عشق خدا زندگی می کنید. شما وظایف خود را دارید، آنها وظایف خود را و این نگاه، ذهنیت شما را به همکاری تشویق می کند و نه رقابت. خاکساری یعنی شما می توانید افراد دیگر را ببینید و به آنها ارزشی که شایسته اش هستید، بدهید. آنها آینه هایی نیستند که در آنها فقط تصویر خود را ببینید. وقتی امنیت روانی دارید، می توانید به دیگران ارج بگذارید. شما که به هویت خود اعتماد دارید، می توانید به افرادی که شبیه شما نیستند، ارج بگذارید. خاکساری وقتی است که خود خویشتن را بیرونی کنید. یعنی این فهم که "همه چیز به شما بر نمی گردد."

در سال ۱۹۷۹ مرحوم کریستوفر لاش کتابی منتشر کرد با عنوان *The Culture of Narcissism, American Life in an Age of Diminished Expectations* یا "فرهنگ خودشیفتگی، زندگی آمریکایی در دوران انتظارهای کاهش یافته". این نوشته، سویه ای پیشگویانه داشت. نویسنده استدلال کرد که فروپاشی خانواده، اجتماع و ایمان ما را از اساس ناامن و محروم از حمایت های سنتی هویت و ارج و قرب ساخته است. او زنده نماند که دوران گرفتن عکس های سلفی، پروفایل های فیسبوک، مارک های مشهور مد، و بسیاری از شکل های "تبلیغ خود" را ببیند. اما اگر می دید، حیرت نمی کرد. او می گفت

که خودشیفتگی شکلی از ناامنی و نیاز دایمی به تاییدگیری و تزریق مرتب اعتماد به نفس است. خیلی ساده بگوییم، خودشیفتگی بهترین راه زیستن نیست.

من گاهی فکر می‌کنم که خودشیفتگی و از دست رفتن ایمان دینی دست در دست یکدیگر دارند. وقتی ایمان به خدا را از دست می‌دهیم، آنچه در مرکز خودآگاهی ما می‌ماند، خود ما است. اتفاقی نیست که نیچه، بزرگترین خداناباور مدرن، کسی بود که خاکساری و فروتنی را نه یک فضیلت، بلکه عیب بزرگی می‌دانست. او خاکساری را انتقام ضعیفان علیه قدرتمندان می‌دانست. بیهوده نیست که عنوان آخرین کتاب او چنین بود: "چرا من بسیار باهوشم"³. نیچه اندکی پس از نوشتن این کتاب دچار گونه‌ای دیوانگی شد که یازده سال آخر عمرش را فراگرفت.

نباید دیندار باشید تا اهمیت خاکساری را بفهمید. در سال ۲۰۱۴ Harvard Business Review نتیجه یک نظرسنجی را منتشر کرد که نشان می‌داد "بهترین رهبران، رهبران خاکسار و فروتن هستند"⁴. آنها از انتقاد می‌آموزند. آنها به قدری اعتماد به نفس دارند که دیگران را توانمند می‌سازند و مشارکت آنها را ارج می‌گذارند. آنها به خاطر خیر همگانی، ریسک فردی می‌کنند. آنها وفاداری و روحیه کار گروهی قوی را به دیگران

³ Part of the work published as *Ecce Homo*.

⁴ Jeanine Prime and Elizabeth Salib, 'The Best Leaders are Humble Leaders', *Harvard Business Review*, 12 May 2014.

منتقل می کنند. آنچه برای رهبران صادق است، برای همه ما به عنوان زوج و همسر، والدین، همکار، اعضای اجتماع و دوستان صدق می کند.

یکی از خاکسارترین افرادی که تا کنون دیده ام، ربه لوباویچر یا ربای منخم مندل شنیرسون، بود. او به هیچ وجه خود را کوچک نمی کرد. بسیار حرمت نفس داشت. او اعتماد به نفس و حتی رفتاری شاهانه داشت. اما وقتی با او تنها می شدید، به شما این احساس را می داد که مهمترین فرد حاضر در اتاق هستید. این استعدادی شگرف بود. او "پادشاهی بدون تاج" بود. گویی عظمت به لباس انسانی درآمده بود. به من یاد داد که خاکساری نه یعنی این که شما کوچک هستید، بلکه یعنی فکر کنیم که افراد دیگر هم درون خود عظمت دارند.

عزرا تفت بنسون می گفت: "غرور با این کار دارد که چه کسی درست است؛ خاکساری با این کار دارد که چه امری درست است". هارامبام می گوید که خدمت و عبادت خدا یعنی کار واقعا درست را انجام دهیم، زیرا به راستی درست است و نه به دلیل های جانبی.⁵ عشق از خود گذشته است. بخشیدن از خود گذشتگی است. انسان دوستی نیز چنین است. وقتی خود را در مرکز دنیا بگذاریم، سرانجام همه کس و همه چیز را به وسیله هایی برای رسیدن به هدف ها تبدیل می کنیم. این کار آنها را کوچک می کند، و ما نیز کوچک می شویم.

⁵ Maimonides, *Hilchot Teshuvah* 10:2.

خاکساری یعنی زندگی در پرتو آنچه از من بزرگتر است. وقتی خدا در مرکز زندگی ما است، ذهن خود را به روی شکوه آفرینش و زیبایی دیگران می گشاییم. هرچه "خود" کوچکتر می شود، دنیا بزرگتر می گردد.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط شیریندخت
دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org     @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved